

کارگزار برای اینکه عدالت را همواره در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سرلوحه کار خویش قرار دهد، باید قبل از هرکس و هرچیز خودش را در محضر پروردگار متعال ببیند و قبل از سلسله‌مراتب اداری، خودش را پاسخ‌گوی حضرت حق بداند؛ پس پاسخ‌گویی باید اول در برابر خداوند، دوم در برابر مردم، سوم در برابر ارباب‌رجوع و چهارم در برابر مدیریت و سلسله‌مراتب اداری باشد. این همان نظام خودکنترلی مبتنی بر فرهنگ اسلامی است که امروزه در نظام‌های مدیریتی به‌عنوان کارآمدترین نظام کنترلی از آن یاد می‌شود.^{۲۷}

جایگاه عدالت در انقلاب اسلامی

خداوند حکیم عدالت‌خواهی را در فطرت پاک همه انسان‌ها نهاده است. انقلاب اسلامی نیز برآمده از همین فطرت است. معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) عدالت را به‌عنوان محوری مهم که باید در همه سطوح جامعه جریان داشته باشد، برمی‌شمرد و اعتقاد دارند باید تمامی روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر محور عدالت شکل بگیرد^{۲۸}؛ پس عدالت خواهی جزء ذاتی انقلاب اسلامی است. «از عناصر هویت‌ساز انقلاب اسلامی، آزادی‌خواهانه بودن این انقلاب است، عدالت‌طلبانه بودن این انقلاب است. این انقلاب در درون خودش عدالت‌خواه و عدالت‌طلب است. هیچ زمانی نمی‌توان عنصر عدالت را از انقلاب اسلامی جدا کرد^{۲۹}».

دولت عدالت و بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان نقشه راه امت اسلامی از سوی مقام معظم رهبری ترسیم و ارائه شده است. این بیانیه در زمان حاضر مهم‌ترین رکن حرکت انقلاب اسلامی به سوی آرمان‌های بلندش است. عدالت از توصیه‌های اساسی بیانیه گام دوم برای ادامه حرکت انقلاب اسلامی در چهل سال دوم است. با در نظر گرفتن این بیانیه، یعنی اولویت‌های کلانی که مقام معظم رهبری مطرح کرده‌اند و نیز اوضاع زمانی، دولت وظیفه خود را در همین راستا تعریف می‌کند و عدالت را محور کار خود قرار می‌دهد. در واقع محور کاری دولت تحول‌براساس این بیانیه^{۳۰} در مسیر عدالت قرار می‌گیرد^{۳۱}.

عدالت، محور تحول در دولت

آیت‌الله رئیسی تحول در دولت را برای تحقق مطالبات مردمی و توجه به وضعیت اقتصادی کشور ضروری و محوری^{۳۲} می‌داند و معتقد است دولت سیزدهم، دولت تحول است. او تحول را شناخت وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب و نقشه راه حرکت به سمت وضع مطلوب تعریف می‌کند^{۳۳}. وی عدالت را محور ایجاد تحول در دولت بیان می‌کند. «ما دولت تحول هستیم، محور تحولمان هم عدالت است^{۳۴}». این تحول باید علم‌پایه باشد. اگر علم‌پایه نباشد، این سند و تحول، می‌شود تحولات سلیقه‌ای. هر مدیری می‌آید با سلیقه خودش یک کارهایی انجام می‌دهد. اکنون چه کنیم که علم‌پایه باشد؟ باید دانشگاه، فرهیختگان و علما در این میدان نقش ایفا کنند تا کار بتواند کاملاً علمی باشد، نه سلیقه‌ای. کار علمی و موردپسند مجامع علمی، فکری و فرهیختگی در جامعه باشد^{۳۵}. با توجه به آیه شریفه «لِيُقَوِّمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ» مردم در اجرای عدالت نقش فاعلی دارند و دولت، کارگزار مردم برای تحقق عدالت است^{۳۶}؛ در نتیجه ایجاد تحول برای تحقق مطالبات مردم ضروری است. محور تحول، عدالت است و حضور فعال مردم، برای تحقق عدالت نقشی کلیدی ایفا می‌کند.